

ویژگی های صراط مستقیم

زهرا قربانی و فاطمه سعیدی طلبه سطح ۳

چکیده:

مطالبی که پیش رو دارید در حیطه ی موضوع مهم تفسیری سخن به میان آمده است که صراط مستقیم معنا و مصداق آن است و محور اصلی صراط مستقیم که خود همان ویژگی های را در برمی گیرد، صراطی را صراط مستقیم می نامیم که ملازمت با معرف الهی دارد که انحرافی به راست و چپ ندارد که همان راه الهی است که باعث هدایت انسان می شود. که هدایت در برگیرنده ی اطاعت از خداوند و پیشوایان الهی است.

واژگان کلیدی: آخرت، دنیا، صراط، صراط مستقیم، قرآن، مستقیم

مقدمه

هدف اصلی آفرینش انسان رسیدن به کمال و رستگاری در پرتو اطاعت از خداوند و انجام دستورات الهی می باشد و پروردگار همواره انسان را مورد هدایت خود قرار می دهد و این هدایت باعث رهایی از دوزخ می شود. هدایتی که انسان را از سعادت به شقاوت می رساند.

این موضوع در محدوده ی تفسیری است. یک واقعیت است که انسان همه روزه در نماز آن را می خواند که خداوند ما را به راه راست هدایت فرما و صراطی که ملازمت با معرفت الهی دارد از انحراف به چپ و راست به دور است که پیمودن آن صراط که مصادیق عینی آن قرآن دین و اهل بیت (علیهم السلام) هستند باعث هدایت انسان می شود. که عامل هدایت عمل به آموزه ای دینی است. و در آخر لقاء الله پروردگار است.

صراط مستقیم از جایگاه ویژه ای برخوردار است که قرآن و روایات به آن سفارش کرده اند و هم از لحاظ عقلی ضرورت آن مشخص شده است که خداوند چه هدفی برای خلق انسان تدبیر کرده است و یکی از پر کاربردترین واژه در قرآن است که چهل و پنج بار در قرآن به کار رفته است. که ظاهراً همگان معنا و مصداق آن را میدانند که پلی است بر انسانها برآن قرار دارند اما مصداق عینی آن دین و قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) هستند کمتر به آن پرداخته شده است. که این از تحقیق روش توصیفی استفاده شده. که ساختار آن ویژگی های صراط عبارتند از: نورانیت، امنیت، عدم انحراف به راست و چپ، معرفه الله، و در آخر مرکب صراط محبت اهل بیت (علیه السلام) است.

معانی واژگان

صراط

معنای لغوی: در بیشتر آیات قرآن صراط در معنای راه خدا یعنی دین و حق و شریعت بکار رفته است. صراط را با صاد و سین خوانده اند و هر دو به یک معنی است. صراط در اصل به معنی بلعیدن است، «صراطه سراطاً ابتعله» مجمع در علت تسمیه راه به صراط فرموده: راه رهگذر را بلع می کند. در اقرب گوید: راه رونده در آن غایت می شود. قول مجمع که آن راه، راه آشکار و وسیع گفته به واقع نزدیکتر است از قول راغب که راه راست گفته زیرا در بیشتر آیات وصف مستقیم با صراط ذکر شده است. (قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۲-۱۳)

صراط: راه مستقیم

راه سهل العبور را صراط گفته اند که سالک و رهروش آن را به سرعت طی می کند مثل بلعیدن سریع غذا است. و با اینکه راه، رهرو خود را می بلعد و فرو می برد. (خسروی حسینی، غلامرضا، تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ص ۳۹۷/ مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۰۹)

معنای اصطلاحی:

صراط: پل میان دوزخ و بهشت که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است. صراط بزرگراه وسیع و روشن است. از امام صادق (علیه السلام) درباره صراط پرسیدند، فرمودند: آن راه معرفت خداوند می باشد و صراط دوتاست: صراط دنیا و صراط آخرت. اما صراط دنیا امام واجب الطاعه است، هر که او را شناخت و به راهنمایی او تن داد بر صراط مسیر دوزخ بگذرد و کسی که در این جهان او را شناخت و به راهنمایی او تن داد بر صراط دوزخ بگذرد و کسی که در این جهان او را نشناخت قدمش بر صراط آخرت بلغزد و سرنگون آتش افتد. (حسینی دشتی، سید مصطفی، معرف المعارف دایره المعارف جامع اسلامی، ج ۶، ص ۶۲۷)

مستقیم

معنای لغوی:

این واژه از ماده (ق و م) و بر اثر هیات خاص باب استفعال بر طلب قیام دلالت می کند، و به ذاهمی گفته می شود که بر خط مستوی و طبق حق قرار داشته باشد.

معنای اصطلاحی:

طریق مورد نظر در اینجا طریق مستقیم استقامت است و استقامت طلب قیام از شجاعت و طلب قیام می تواند کنایه از ظهور و حصول آثار و منافع و آثار راه در مستوی بودن نداشتن اعوجاج و گمراه نکردن سالک جمع شده باشد چنین حالتی را قیام گویند. پس راه مستقیم راهی است که نداشتن اعوجاج از آن مطلوب و این مطلوب حاصل می باشد از این صفت مستقیم برای صراط قید توضیحی است نه احترازی. احترازی یعنی: خود صراط معنای مستقیم را نیز در بر دارد اما برای توضیح بیشتر قید مستقیم نیز آمده است. (جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱، ص ۴۵۸)

صراط مستقیم

معنای لغوی:

راهی که دارای قدرت و تسلط است و بر پای خود می ایستد یعنی بر آنچه مربوط به اوست تسلط کامل دارد
بالتیجه به این راه قائم گفته می شود یعنی راهی که تکیه به جایی ندارد. (جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱، ص ۴۶۶)
معنای اصطلاحی:

صراط مستقیم، همان راه استقامت در برابر «اعجاج» است. راه معجوج آن است که همراه با تخلف است و
صراط مستقیم راهی است که از این دو آسیب مصون باشد. اما مصداق صراط مستقیم از نظر قرآن کریم همان «دین
قیم» است. و دین قیم دینی است که خود ایستاده است و دیگران را نیز به پا می دارد و سر این که از دین قیم که
همان صراط مستقیم است. به «ملت براهیم (علیه السلام)» یاد می شود.

صراط مستقیم راه مسلمانی در شرع رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اخلاق و آداب و شرع است همچنین
در روایتی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که ایشان راه واضح عمل صالح و صراط مستقیم معرفی کرده
اند. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۸)

پس راه مستقیم راهی است که ما را به محبت به خدا و به بهشت می رساند و مانع می شود که انسان از
هواهای نفسانی پیروی نماید یا به آراء خود ترتیب اثر دهد یا دچار غلو و تقصیر و کوتاهی شود.

از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) یا علی، اذا
كان يوم القيامة اقول انا و انت و جبرئيل علی صراط لم یجز احد الا من كان معه كتاب فیه برات بولایتک» علی
جان، هنگامی که روز قیامت بشود من و تو و جبرئیل بر صراط مستقیم می نشینیم اجازه داده نمی شود به احدی که
از صراط عبور کند مگر که برات ولایت تو را به همراه داشته باشد. از مجموع آنچه گفته شد معلوم می شود صراط
مستقیم پلی است که بر روی جهنم است که هر کس حب و ولایت ائمه معصومین (علیه السلام) را نداشته باشد نمی
تواند بر آن قرار بگیرد و در آن ثابت بماند و به جهنم می افتد و همچنین این راه، راه اعتدال و از هر شری مصون
می باشد. (همان)

صراط مستقیم که همان کوتاه ترین راه به سوی مقصد و قرب الهی است که دارای ویژگی های منحصر به فرد
است پس باید دارای نشانه ها بی باشد که با شناخت آن زود تر و آسانتر به مقصد رسید پس دارای ویژگی های
منحصر به فرد است که بر طبق آیات و روایات به شرح زیر به آن می پردازیم:

نورانیت

انسان که موجودی پویا و سالک است، برای آنکه مقصد و غایت سلوکش لقای مهر رب العالمین باشد، نیازمند صراطی است که از آسیب اعوجاج و از دستبرد اهریمن ایمن باشد و محتاج نور هدایتی است که راه را به وی نموده، او را قدم به قدم تا به مقصد برساند. خدای سبحان راه سلوک و وصول سالکان کویش را ترسیم کرده، همگان را برای وصول به اوصاف جمالی خود به حرکت در آن فرا خوانده است.

سر اینکه عبد سالک همواره باید هدایت به صراط مستقیم را از خدای سبحان بخواهد، این است که راه سلوک به سوی خدا مقاطع فراوانی دارد و سالک به هریک از مراحل کمال که برسد، نسبت به آن نورانی و بیناست، لیکن دوام آن کمال و بقای آن حال نیازمند دوام افاضه خداست، چنانچه نسبت به مراحل برتر، ظلمانی و ناپیوسته است.

اولیاء الهی که بسیاری از مراحل کمال را پیموده اند، شذنی است که بسیاری از حقایق را ندیده، همچون موسی کلیم سخن از «رب ارنی انظر الیک» (سوره اعراف، آیه ۱۴۳) باشند. از این رو، هر کس به مرتبه ای از کمال در معرفت و عمل دست یابد، باید ثبات قدم در آن مرتبه ی کمالی را از خدا بخواهد. «لا تنزع منا صالحا اعطیتناه» (بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۷۵) «فلا تسلب منی ما انا فیه» برای رسیدن به مراتب برتر، نور هدایت بخواهد، تا حدود کمال به بقای آن متصل گردد و مراحل ابتدایی آن به مقاطع نهایی بیبندد. هدایت تشریحی و آشنایی با معارف دین، بایسته و مایه تمامیت حجت است کلکن گاهی به تنهایی برای رسیدن سالک به مقصد پایانی کافی و کار ساز نیست، هدایت تکوینی و نور بصیرت درونی است که به عبد سالک مصونیت می بخشد.

این هدایت نه تنها «دانش دل» بلکه «بینش دل» است و مهتدی کسی است که نه تنها حق را «بداند» بلکه آن را «ببیند» قرآن حکیم دانشی را هدایت می داند که به بینش بینجامد و به بار عمل بنشیند، و گرنه دانشمندان بدون بینش، به نوعی کوری مبتلاست. (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ص ۲۷۹ و ۲۸۰، سال نشر ۱۳۷۹)

مومنان و صالحانی که از نور هدایت تکوینی بهره مند شدند، هم در دنیا و هم در آخرت، که این نور ثمره علم حصولی نیست. زیرا بسیاری از منحرفان نیز از علوم حصولی بهره مند ولی مومن با این نور به خوبی اسرار جهان را می بیند و به جامعه انسانی بینش می دهد. نور مومنان بهشتی هم پیشاپیش آنان می دود و هم اطرافشان را روشن می سازد. (همان ص ۲۸۱ و ۲۸۲)

ربها ناظره» (قیامت / ۲۲-۲۳) کافر جلال خداوند قهار را می بیند که مظهر آن جهنم است. در عین کوری از رحمت، نسبت به غضب خدا بی‌نا هستند. جمال و رحمت و فیض خاص حق، اولیاء بهشت و فرشتگان رحمت را نمی بیند، ولی عذاب و شعله آتش و دوزخیان را می بیند، زفیر و شهیق جهنم را می شنود. و نشره یوم القیامه اعلی (طه / ۱۲۴) کور محشور می شوند اما می گویند: «ابصرنا و سمعنا فارجعنا نجعل صالحا» باطل نگر و باطل گرا بودند، چون در دنیا باطل را می دیدند، باطل نگر بودند به همین دلیل جهنم بین و جهنم طلب می شوند، نه بهشت بین و بهشت خواه. (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، ص ۲۴۵، سال نشر ۱۳۷۹).

خدا در مورد سایر جنبنده ها فرمود: «و امن دابه الا هو اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم» (هود / ۵۶) هیچ جنبنده ای نیست، مگر زمام امورش به دست خداست. تحقیقا کار خدا بر صراط مستقیم است و هر جنبنده ای را بر صراط مستقیم خود راه می نماید، خواه هدهد سلیمان باشد یا کلب اصحاب کهف یا مار و عقرب... خداوند مار و عقرب را هم به راه راست می برد و تمام کار هایش را مانند خوردن و آشامیدن و... همه روی اصول و نظم علمی اند و این همان صراط مستقیم تکوینی است. هر جا حرکت بر و دار نظم دقیق علمی باشد صراط مستقیم است. و آنجا که بر محور عقل و عدل نیست کجراهه و معلوم نیست که پایانش چیست. (جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۳۸، ص ۵۸۸، سال نشر ۱۳۷۹)

صراط مستقیم مار و عقرب با انسان فرق دارد. این همان معنای نظم و صراط مستقیم است و اما چنین نیست که مار و عقرب به بهشت بروند و با سالکان صالح محشور شوند. لیکن باید شریعتش را با تکوین تطبیق کنند نه اینکه به دلخواه خود کار کنند.

ذات اقدس الهی انسان را آفرید آزاد آفرید چون کمالش در این آزادی تکوینی است و واداشتن اجباری او به پیمودن راه خیر، کمال نیست آنگاه از راه عقل درون و وحی بیرون مشخص کرد که بد و خوب او چیست؟ در چنین فضایی، هر کس به بر اختیاری خود کجراهه رود، گرفتار کیفر خدا می شود و هر که نیک اختیاری خود را به راه راست رود فرشتگان به استقبال او برای ورود به بهشت می آیند. «سلام علیکم طبتم فدخلوها خالدین» (زمر / ۷۳) (جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۳۸، ص ۵۸۹، سال نشر ۱۳۷۹).

همه موجودات در قوسخواه انسان یا جنبنده دیگری به سوی خدا در حال صیوریت هستند. «الا الی الله تصیر الامور» (شوری / ۵۳) همه موجودات بر قوس صعود به سوی خدا هستند لیکن با حفظ مراتب: «ثم دنا فتدلی»
فکان قاب قوسین او ادنی (نجم / ۸-۹)

هر موجودی با حفظ درجه خاص و مرتبه مخصوص از خدا صادر می شود و به طرف خدا صابر می گردد. به بیان دیگر، همان گونه که در قوس نزول (من الله) و از خدایند، نه صادر اول، زیرا صادر نخست در قوس نزول فقط وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و نور پاک خاندان اوست که در نشئه تجرد و تام و تعین اول یک نورند، بعد فرشتگان، سیل ارواح تا برسد به نازل ترین موجود مادی، در قوس صعود نیز درجات و مراتب محفوظ است و موجودی به اندازه سه وجودی خود این راه کمالی را دارد. (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، ص ۲۸۴، سال نشر ۱۳۷۹)

عدم انحراف به راست و چپ

شیطان پس از رانده شدن به خداوند گفت: خدایا چون مرا گمراه کردی زشتیها را در زمین برای انسانها می آرایم و همه را به کام گمراهی می کشانم، مگر بندگان خاص تورا که نسبت آنان اغوا ندارم. بلکه خدا خود فرمود: خود عهده دار حفظ اینراه هستم و به تو نمی سپارم.

شاید شیطان بتواند سالکان غیر معصوم صراط مستقیم را جذب کرده، از راه باز دارد اما هرگز توان دسترسی به اصل راه را ندارد. زیرا مصداق صراط مستقیم بر جهان عینی همان دین، قرآن و پیشوایان معصومند که از دسترس شیطان مصونند. اقرار ابلیس به «الا عبادک المخلصین» اعتراف به عجز و دستبرد به صراط است. زیرا صراط مستقیم همان مسیر عباد مخلص است. پس از طرفی شیطان به راه راست راه ندارد و از سوی دیگر پیامبر و خدا بر صراط مستقیم اند. پس انحراف از صراط مستقیم مربوط به راهیان راه راست، نه خود راه آن هم راهیانی که به مرتبه اخلاص نرسیده اند و گرنه شیطان به حریم پاک وجود مخلصان راهی ندارد. (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، ص ۲۶۱، سال نشر ۱۳۷۹).

انسان ها دو نوعند بعضی ها در صراطند و بعضی ها بیرون از آن. خدای متعال از گمراهان گاه به انحراف و سقوط از صراط یاد کرده است. و گاهی صراط مستقیم را مانند قله رفیع می داند که گرفتاران تباهی و گمراهان از اوج آن ساقط شده اند و طغیانگران مورد غضب خداوند و هر کس مغضوب خدا شد سقوط می کند. انسان سالک

نظام تکوین و تشریح را هماهنگ می کند. اگر این هماهنگی صورت نگیرد. هر قانونی برای انسان غیر خدایی است. در صراط خاص کارها باید مشتاقانه باشد و کار حالی از نفاق سبب بطلان عمل است. (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، ص ۲۶۶، سال نشر ۱۳۷۹).

خدای سبحان اعمال منافق را باطل می داند و درباره آن می فرماید: آنها با کراهت عمل می کنند نه با میل زیرا منافق بی اعتقاد به دین، که اگر فشار جامعه نبود هرگز به قوانین اسلامی احترام نمی گذاشت. اگر ظاهراً با اسلام است ولی باطناً نه این جور نیست. ولی در هر صورت ظاهراً در صراط مستقیم است تا موحد بودن او ثابت و عمل او پذیرفته شود، زیرا عمل غیر موحد قبول نیست پ. بنابراین صراط، کراهت عرضی و نسبی با رغبت ذاتی و نفسی در کنار هم هماهنگ می شود و هر موجودی در مسیر مستقیم حرکت می کند، ولی در صراطی که نظام تشریحی است کرامت سبب سقوط و انحراف از صراط مستقیم است. «ان الذین لا یومنون بالآخره عن صراط الناکبون» (مومنون / ۷۴) و گاه مشرک مانند کسی است که از بالا سقوط کرده باشد. «و من یشرک بالله فکا نفاخر من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به... فی مکان سحیق» (حج / ۳۱) هرگز ضلالت خاص با هدایت خاص جمع نمی شوند اما ضلالت خاص با هدایت عام تکوینی جمع می شود. (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، ص ۲۶۷، سال نشر ۱۳۷۹)

مرکب صراط محبت است

با استنباط از قرآن سفارش کرده اند که این راه بسیار طولانی بدون مرکب محبت و تقوا پیمودنی نیست «و تزودو فان خیرالزاد التقوی» (بقره / ۱۹۷) از خطوط کلی رهنمودهای قرآنی استفاده می شود که اساس کار محبت خدا و دوستی اولیاء او و پیروی اهل بیت عصمت طهارت است و ره توشه سالک هم تقواست یعنی اگر انسان بر مرکب سوار شود و از زاد تقوا بهره بگیرد هم مرکب تقویت می شود و هم راکب این راه را به خوبی می پیماید پیامبر راکب مرکب محبت است و دیگران هم برای پیمودن این مسیر باید بر مرکب محبت سوار شوند. «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله» (آل عمران / ۳۱) (جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، ص ۲۶۹، سال نشر ۱۳۷۹)

نتیجه

در میان راه ها یک راه است که آن شاه راه و راه سعادت است که باید انسان آن را بیبماید و این باعث هدایت انسان می شود و کسانی در این راه هدایت می شوند که به ریسمان محکم قرآن و اهل بیت چنگ زده باشند. که هما آیه شریفه مشهور است «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول الا امر منکم» که خداوند اطاعت خود را در کنار اطاعت رسول را در کنار اطاعت از ائمه اطهار قرار داده است. در این تحقیق با بیان ویژگی های صراط مستقیم بیان کردیم که برای عبور از صراط مستقیم باید به دستورات آنان عمل کنیم و سرلوحه ی عمل انسان حب اهل بیت (علیهم السلام) است. که این همان هدایت الهی است. که شامل : انبیاء شهداء و صلحاء و... که خود راه را انتخاب کرده اند و در مسیر گام نهادند روزی آنان می فرماید که بالاترین مقام آنها در آخرت ملاقات با خداست. و اما نحرفین صراط در گمراهی هم در دنیا و هم در آخرتند.

فهرست منابع:

قرآن

۱. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، انتشارات اسلامیة، چاپ هشتم، بی جا، ۱۳۸۷
۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات فقه، چاپ اول، بی جا ۱۴۲۷ هـ.ج
۳. خسروی حسینی، غلامرضا، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی، بی جا، ۱۳۸۲
۴. دشتی، سید مصطفی، معارف المعارف، انتشارات کتابخانه ملی ایران، تهران ۱۳۷۹
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم ج ۱، انتشارات اسری، قم ۱۳۸۷
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم ج ۳۸، انتشارات اسری، قم
۷. جوادی آملی، عبدالله، هدایت قرآن، ج ۱۶، انتشارات اسریف چاپ ششم، ۱۳۹۴